عکس: ایران

نان با طعم ترس و سرگیجه

داربست زندگی

۶

متری

باور کنید نگه داشتن تعادل با لوله ۶ متری ۲۰ کیلویی در ارتفاع ۱۰ متری خیلی سخت است. اگر هم بیفتی از بیمه و حقوق از کار افتادگی هم خبری نیست. ما کارگر روزمزد هستیم و چشم به دست پیمانکار می دوزیم

گزارش

یوسف حیدری
گزارش نویس

از پاییـن کـه بـه بـالا نـگاه می‌کنی، لوله‌های فلـزی درهـم تنیـده‌ای می‌بینـی کـه بـا لـولا و قفـل به‌هـم چفـت می‌شـوند و همین‌طـور بـالا می‌رونـد. امـا وقتـی از بالا بـه پایین نگاه می‌کنی داسـتان عوض می‌شود. سـرگیجه و تـرس از ارتفـاع و نگرانی سـقوط. اما وقتی قرار باشـد با چفت و بسـت کردن نان سر سـفره ببری بر همـه این ترس‌هـا غلبه می‌کنـی و با آچار پیچ‌هـا را محکم می‌کنی و ارتفاع داربسـت را بالاتـر می‌بری.

ایـن حکایـت جوان‌هایـی اسـت که مشـغول بسـتن داربسـت مقابـل سـاختمان بلندی هسـتند. ماشـین نیسـان آبـی رنـگ کمـی بـا فاصله ایسـتاده و یک نفر لوله‌هـای ۶ متری داربسـت را یکی یکی پاییـن می‌آورد و دسـت به دسـت آن را به دسـت پسر جوانـی کـه بـالای یکـی از لوله‌ها به سـتون تکیه داده می‌رسـاند. در کمتر از نیم سـاعت داربسـت بـه ارتفاع ۴ متـری می‌رسـد و این‌بار کارگـری که پاییـن ایسـتاده بـا دقـت لوله‌هـای فلـزی را بالا می‌انـدازد.

«باور کنید نگه‌داشـتن تعـادل با لوله ۶ متری ۲۰ کیلویـی در ارتفاع ۱۰ متری خیلی سـخت اسـت. اگرهم بیفتی از بیمه و حقوق ازکارافتادگی هم خبری نیسـت. مـا کارگـر روزمزد هسـتیم و چشم به دسـت پیمانکار می‌دوزیم.»

ایـن را هاتـف می‌گویـد و لولـه فلزی را بـرای محمـد اسـماعیل می‌اندازد.

> جوان هایی که در این حرفه کار می کنند واقعاً دل بزرگی دارند. با سختی زیاد کار می کنند و کمتر هم دیده می شوند. همیشه حواس‌شان به کار خودشان است

۳۴ سـال دارد و از ۱۲ سـال قبـل بـا کمـک پسـرعموها وارد کار داربسـت زدن شـده اسـت. می‌گویـد: «آن بالا جان‌مـان را کـف دسـت می‌گیریم و لوله‌هـا را با وسـواس و دقـت به هم چفـت می‌کنیـم. از سـختی‌های کار هرچقدر برای شـما بگویم کم اسـت. خیلی از مردم هـر روز ما را در حال کار می‌بینند و بی‌تفاوت رد می‌شـوند. در آن لحظات کسـی به مـا فکر نمی‌کند ولی ما بـه فکر عابران هسـتیم و یک نفـر آن پاییـن مراقب اسـت کسـی نزدیـک داربسـت نشـود. خیلـی از کسانی که در کار داربست زدن هستند در منطقـه نظام‌آباد زندگـی می‌کنند و یکدیگـر را می‌شناسـند. مـن هـم بـا کمـک پسـرعموهایم وارد این کار شـدم. روزهـای اول تـرس و دلهـره داشـتم. بالاخره نمی‌توانـی در ارتفاع ۲۰ متری پایین را نگاه کنی و نترسـی. امـا کم‌کـم عـادت کـردم و الان هـم فقط بـه سـرعت و دقـت در کار فکر می‌کنـم. دغدغـه خیلـی از کسـانی که کارگر داربسـت‌زنی هسـتند، بیمه اسـت. ما بیمـه کارگران سـاختمانی هسـتیم. دوماه به دلیـل کرونا و نبود کار نتوانسـتیم بیمـه واریـز کنیـم و وقتـی مراجعـه کردیـم به مـا گفتند سـهمیه بیمه شـما را به کارگران دیگر داده‌ایـم. الان هم بیمـه نداریم. اگه بیمه نداشـته باشـیم و زمان کار دچار حادثـه شـویم هیـچ کمک‌هزینه‌ای دسـت ما را نمی‌گیرد. باور کنید شغل ما هـم سـخت و زیان‌آور اسـت، ولی کسـی به این موضوع توجه نمی‌کند. همین خود شـما اگر پـول زیادی هم پیشـنهاد بدهند بازهم حاضر نیستید در ارتفـاع ۲۰ یـا ۳۰ متـری روی یـک میلـه بایسـتید و میله‌هـا را بـه هـم چفـت کنید.»

بـه ارتفـاع ۵ متـری کـه می‌رسـند بـا دعـوت یکـی از مدیـران شـرکت از پنجـره داخـل می‌رونـد تـا کمـی اسـتراحت کننـد. محمد اسـماعیل لیـوان شـربت را سـر می‌کشـد و بـا دسـت‌های زمخـت و سـیاه عـرق صورتـش را پـاک می‌کنـد. محمـد از بچه‌ها می‌خواهد سـریعتر داربسـت را تمـام کنند تا به سـفارش بعدی که در یکـی از خیابان‌های شـمال شـهر است، برسـند. وقتی صحبت از خطر و سـقوط از ارتفـاع می‌شـود محمـد اسـماعیل بـه ماجـرای دوسـال قبل اشـاره می‌کنـد و می‌گویـد: «در کار ما اولین اشـتباه آخرین اشتباه است. هر سـال تقریباً دو نفر از کارگـران صنف ما از داربسـت پاییـن می‌افتند و فوت می‌کنند. همین سـال قبل در منطقه اقدسـیه مشـغول بسـتن داربسـت بودیـم که یکـی از بچه‌هـا ازارتفاع ۱۵ متـری پاییـن افتـاد و فوت کـرد. در خیلـی از مواقع دسـتکاری داربسـت باعث می‌شـود دچـار حادثه شـویم. گاهی اوقـات رابط بین میله‌هـا را بالا و پاییـن می‌کننـد و یـا پیـچ چفت‌ها شـل می‌شـود و کسـی که داربسـت می‌زنـد و یـا می‌خواهـد آن را جمـع کنـد از این موضوع اطلاعی نـدارد و دچـار حادثـه می‌شـود. اگـر کمربند نبسـته باشـی بیمه چیزی بـه عنوان غرامـت پرداخـت نمی‌کند. مـا کارگر روزمزد هسـتیم و روزی ۵۰۰ هزار تومان دسـتمزد می‌گیریـم. باور کنیـد این پول تا خانه نمی‌رسـد. هـر روز هم کار نداریم. یک روز ممکن است کار باشد دو روز بیـکار باشـیم. ایـن هـم کارت مهارت مـا که کارشـناس تأییـد کرده اسـت اما با وجـود این بیمـه نداریم. روزهـای اول کـه وارد ایـن کار شـدم، از ارتفـاع می‌ترسـیدم امـا وقتی پای نـان و خرج خانـواده در میان باشـد بایـد ترس را کنار بگـذاری. این لوله را می‌بینی. خیلی سـنگین اسـت. حالا در آن ارتفاع بالا باید با یک دسـت این لوله را بگیری و با دسـت دیگر آن را به لوله‌های دیگر ببنـدی. اگر یک لحظه تعادل نداشته باشـی سقوط می‌کنی. البته وقتـی هم سـقوط می‌کنی، باید شانس داشـته باشـی. چند ماه قبل یکـی از دوسـتان از بـالای داربسـت بـه ارتفاع ۱۰ متـر روی ماسـه‌هایی که کنار دیـوار ریخته بودند افتـاد و زنده ماند. وقتی مشـغول بسـتن داربست می‌شـویم، دقـت می‌کنیـم پیـچ و یا چفـت شـل نباشـد. خودمان را جای کارگری که قرار اسـت روی این میله‌ها بایسـتد و مشـغول تخریب دیـوار و یا گچکاری و آجرچینی شـود می‌گذاریم. آنهـا بـه اعتبار مـا روی این داربسـت می‌ایسـتند و اگر اشـتباه کنیم ممکن اسـت به قیمت جان آنها تمام شـود. جوان‌هایـی کـه در ایـن حرفـه کار می‌کننـد واقعـاً دل بزرگـی دارنـد. با سـختی زیـاد کار می‌کننـد و کمتر هم دیده می‌شوند. همیشـه حواس‌شان به کار خودشـان اسـت.»

وقت اسـتراحت تمام می‌شـود و همه روی میله‌هـا مسـتقر می‌شـوند تـا داربست را بالاتر ببرند. وقتی از محمد سـراغ کمربند ایمنی‌اش را می‌گیرم با خنـده می‌گویـد: «این ارتفـاع که زیاد نیسـت و بـرای این ارتفاع کـم معمولاً کمربنـد نمی‌بندیـم. اگر هم سـقوط کنیـم دسـت و پا می‌شـکند.» محمد بـا دقـت پیچ‌های چفـت میله‌هـا را کنتـرل می‌کند. بـا دسـت میله‌ها را محکـم بـه طرف خـودش می‌کشـد و می‌گویـد: «ایـن بـرای ما داربسـت زندگی اسـت کـه از آن بـالا می‌رویم. دعـا کـن همیشـه بـا سـلامت از آن پاییـن بیاییم.»

برش

در کار ما اولین اشتباه آخرین اشتباه است. هر سال تقریباً دو نفر از کارگران صنف ما از داربست پایین می افتند و فوت می کنند. همین سال قبل در منطقه اقدسیه مشغول بستن داربست بودیم که یکی از بچه ها ازارتفاع ۱۵ متری پایین افتاد و فوت کرد

جـــدول سـودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوري در خانه‌هاي سفيد قرار دهيد كه هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌هاي كوچك ۳ در ۳ يكبار ديده شود

۴۲۲۰

آسان

۶	۲				۵	۷		۴
				۹			۵	۲
		۷	۲	۸		۳		
	۷	۶					۲	
	۸		۶		۹		۱	
	۹					۵	۶	
		۱		۴	۲	۶		
۹	۳			۶				
۸		۲	۳				۴	۱

متوسط

۶	۸			۵			۹	
			۲					
۳	۱		۹	۸				
		۱						۷
۴	۵		۷	۹	۲		۳	۱
۷						۶		
				۲	۷		۶	۴
					۳			
	۶			۱			۲	۵

سخت

۷	۶		۹			۱		
			۶			۳		
	۴			۳				۲
۱			۸				۵	
۲		۸				۴		۶
	۷				۴			۳
۶				۱			۲	
		۵			۸			
		۲			۹		۴	۱

خیلی سخت

					۵	۲		
			۲	۴			۵	۸
						۶		۱
۳	۷		۸					۵
		۴				۱		
۵					۳		۷	۲
۸		۶						
۷	۴			۱	۹			
		۲	۵					

حل جدول سودوکو شماره ۴۲۲۰

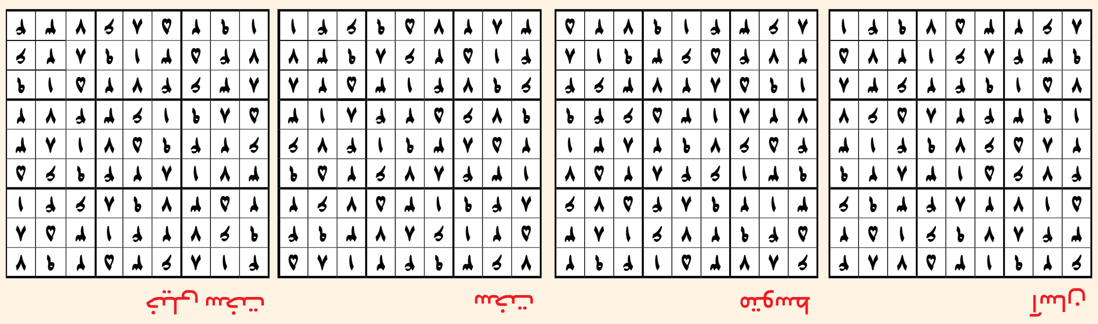

یک جـدول با دو شـرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۸۱۸۹

جدول عـادی

افقی:

۱- یکی از گل‌های باغی - سوغات
۲- سـکنی گزیدن - کم‌جمعیت‌ترین کشـور عضو پیمـان ناتو - جنس به ظاهـر قوی‌ تر!
۳- صندلی لولادار - سران و امرا - همیشگی و دوام
۴- ضمیر بیگانه - خالق «ایلیاد» - مریم فرنگی!
۵- دل - زیانکار - فارسی «وب‌سایت»
۶- شارب - بی‌حیا و بی‌چشم و رو - سرسرا
۷- گرامی - مریم فرنگی! - امر به ساییدن
۸- لولای دست! - ایوان عبرت - روش، اسلوب
۹- حـرف مفعولـی - گاز بدبـو و قابل احتـراق - یار «بیژن»
۱۰- پرسش از مکان - دوباره - نسیم شب
۱۱- اسـم زنانـه فرنگـی - پوسـتین‌دوز - وصـف مکان بی‌خطـر
۱۲- امتحان - سنگ آسمانی - درخت هندی
۱۳- دو خط یک زاویه - از رنگ‌ها - بخشی از اوستا
۱۴- چیز - فیلم جواد رضویان - دارای میوه
۱۵- از اجزای آجیل - خیرخواه

عمودی:

۱- محل قـرار - روزنـامـه‌ای ورزشـی - عـددی یـک رقمی
۲- قـراول، جلـودار - فـروش بـه قیمـت پاییـن - توسـری‌خور چکـش
۳- ضربه‌زن میخ - مسدود کردن - تعب و مشقت
۴- آهنگر انقلابی - ثابت و برقرار - عزم قوی
۵- اشاره بعید - سخت و ناگوار - خوراک محبوب
۶- فال می‌گیرد - ظاهر شونده - شهر پینوکیو
۷- دانه‌ای تلخ - آشکارا و مرئی - ناتمام
۸- از عشـاق افسـانه‌ای - سـتاره «النصـر» - جمع جمله
۹- صورتگر - شهر زعفران - شاهکار «رامبراند»
۱۰- سـرخود - سـاده‌ترین هیدروکربن غیراشـباع - نوشته تبلیغاتی
۱۱- خوشحال نیست - فناپذیر - بوسیله
۱۲- چاره و مدیریت - حنا - به زبان آوردن
۱۳- تخم گیاه - گذرنامه - گرم نیست
۱۴- کسـی که در امور صنعتی مشـغول به کار است - مشـت و مال - پیرو مانی
۱۵- بی‌قانون - گلی زینتی - نوشتن ادبی

جدول ویـــژه

افقی:

۱- فیلمی به کارگردانی آرزو ارزانش (۱۴۰۰) - ماهی خوراکی
۲- ارنب - زینت دادن - آزاد
۳- ظلمانـی - شـهری از توابع کاشـان - قسـمتی از شـکمبه گوسفند
٤- صـدای خالـی شـدن بـاد تیـوپ - بازیکـن «دورتمونـد» - یـار «عـروس»
۵- بله خودمانی - سریال گلچهره سجادیه - عوارض قانونی
۶- چهارچرخه - مستحضر - لکوموتیو
۷- دیده شده - علم اداره کردن - نفی ابد
۸- گرفتـار - مخلوطی از نیترات پتاسـیم، گرد زغال و گوگرد - پدر انوشـیروان
۹- کلاه فرنگی - برنج ایرانی - جمعه
۱۰- حسد - پایه سنگی، چوبی یا سیمانی - خصم
۱۱- میـل به انجـام کاری - اشـاره تأکیـدی نزدیک - فیلم حسـین کندری
۱۲- در نظر گرفتن یا محترم شمردن - یکی از ایالات «هند» - گوشت آذری
۱۳- پاکبازی در دوسـتی - از رودهایـی که به دریای خزر می‌ریزنـد - گهواره
۱۴- مدهـوش - امیـد و شـوق نسـبت بـه کار یـا رویـدادی - مـاری بـزرگ و بی‌زهـر
۱۵- سسـتی - بانـوی روانشـناس آلمانـی نیمه اول قرن بیسـتم

عمودی:

۱- پنهان شدن - خوشگل - حسرت
۲- غذای چسبنده - پاک کردن با آب - خواری
۳- ببین! - تبلیغ روزنامه‌ای - نام «چاپک» نویسنده
۴- اصل و نژاد - نبرد - خوشبختی
۵- صورت خوب - آگاه - بیچاره
۶- دماغ - رقیب فالوده! - خودروی چینی
۷- کوتاه - هیولای تاریخ - ستاره
۸- چابک و زرنگ - سریال جواد افشار - آب‌مروارید
۹- بی‌جنبش - نوعی کفش - بهشت گمشده جنوب ایران
۱۰- آخرین نازی - حکومت - پرتابه ورزشی
۱۱- غذایی کنسروی - خودی - رود «ایتالیا»
۱۲- کشوری در قاره سیاه - پیش‌دستی - تابناک
۱۳- ویرایش - درک اشیا - شهر «یونان»
۱۴- خورشـیـد - روستایی با باغستان‌های بکر در دل رشته کوه میشو - شاطر
۱۵- سرپرست - عنکبوت - کشور اروپایی

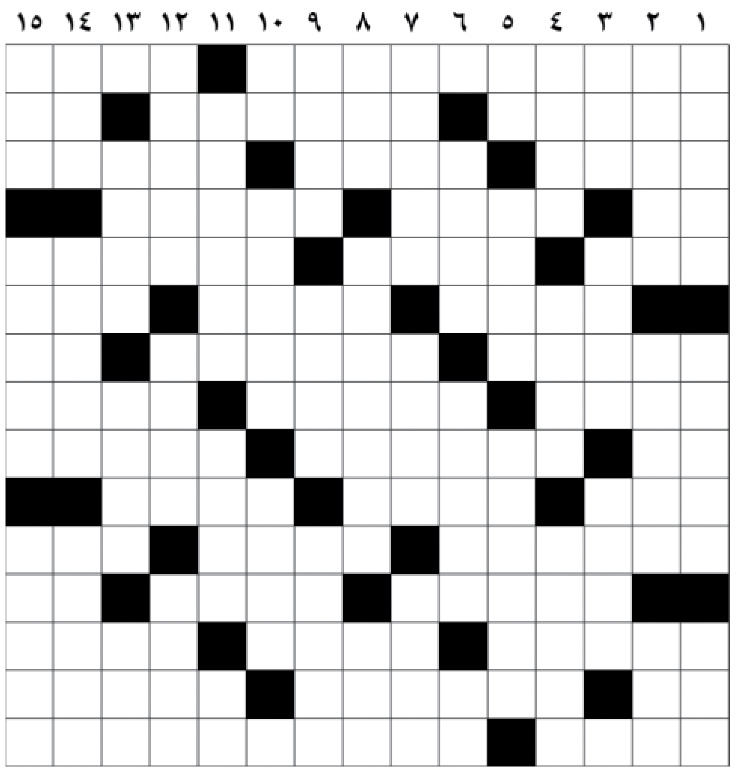

حل جدول عادی شماره ۸۱۸۸

حل جدول ویژه شماره ۸۱۸۸